

ابعاد وجودی حضرت خدیجه کبری (س) در همراهی با پیامبر اسلام (ص)

فاطمه احمدی بیغش^۱

چکیده

پیامبر اسلام (ص) برای اصلاح عقیدتی، اخلاقی و مبارزه با مفاسد اجتماعی، راهی دشوار در پیش رو داشت و این در حالی بود که اغلب جامعه در قالب تکفیر یا نفاق در مقابل حضرت بودند. در این شرایط همسران ایشان، هم به عنوان زن و هم به عنوان همسر، نقش مؤثری در تحولات جامعه به عهده داشتند. از جمله تأثیرگذارترین همسران پیامبر، ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (س) را بودند. خدیجه (س) در جامعه خود به عنوان یک الگوی زن برتر مطرح بوده و تأثیر بسزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشته است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با استناد به کتب و مقالات معتبر، تدوین شده است. هدف از پژوهش در تاریخ زندگی حضرت خدیجه (س) این است که او، هم در دوران جاهلیت و هم بعد از بعثت خاتم الانبیا (ص)، دارای فضائل و کمالات معنوی بوده و همواره و در همه حال با پیامبر اسلام همراهی داشتند. به همین جهت آن بانوی یگانه در میان زنان رسول خدا، شرایط کفویت را احراز کرد و یک همتای واقعی برای حضرت محمد (ص) بود؛ اما باید دید خود این بانو در همراهی با پیامبر اسلام چگونه شخصیتی داشته که خداوند او را شایسته همسری پیامبر و مادری دخترش کرده است؟ آنچه به عنوان ره‌آورد پژوه از این تحقیق استنباط می‌شود این است که؛ ایثار و فداکاری، عفت و پاکدامنی، دوراندیشی، توجه به مستمندان، عطوفت، صبر و استقامت از جمله خصلت‌های پسندیده حضرت خدیجه (س) است.

واژگان کلیدی: ام المؤمنین، خدیجه، ابعاد وجودی، بینش، پیامبر، همراهی.

^۱ کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، سطح سه مؤسسه آموزش عالی حوزوی حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)، تهران:

شهر ری، (yazahra.۳۱۳@yahoo.com).

مقدمه

جهان اسلام از عایشه، همسر پیامبر اسلام، به عنوان ام المؤمنین یاد نموده و با احادیثی منسوب به او به تحلیل دوران صدر اسلام پرداخته و از نگاه وی سعی در شناختن پیامبر (ص) کرده است، در حالی که متأسفانه در شناخت حضرت خدیجه (س) اولین همسر پیامبر اسلام، به مختصر آشنایی، اکتفا نموده است. این در حالی است که حضرت خدیجه (س)، قبل از بعثت پیامبر (ص) یعنی در سال‌های جاهلیت، زندگی خود را با پیامبر آغاز کرده است. سال‌هایی که کرامت زنان به شدت نادیده گرفته می‌شد، دختران را زنده به گور می‌کردند، فساد، فحشا، خرافات و شرک رایج و مرسوم بوده و سراسر جامعه را فرا گرفته بود. اعمال و رفتار حضرت خدیجه کبری (س) در این دوران نشانگر شخصیت والای ایشان است چرا که او هرگز دامن خود را به این مسائل آلوده نساخت و به عنوان طاهره قبیله قریش الگوی زنان، و به عنوان تاجری موفق الگوی مردان هم‌عصر خویش بود. و در طول ۲۵ سال زندگی مشترک با پیامبر اسلام (ص) همواره از ایشان پشتیبانی می‌کرد.

حضرت خدیجه (س)، به علت موقعیت اجتماعی و خانوادگی، و خصوصیات شخصیتی منحصر به فردی که داشت، نقش بسزایی در جامعه اسلامی ایفا نمود. لذا شناخت مقام این بانوی بزرگوار به عنوان ام المؤمنین، و کسی که همیشه همراه پیامبر بوده بر جهان اسلام ضروری است و غفلت از این بانوان تأثیرگذار در اسلام، زیبنده نیست.

ابعاد وجودی حضرت خدیجه (س) آن‌چنان والاست که به خودی خود موضوعیت دارد. کتاب، کار تحقیقی یا مقاله‌ای دقیقاً با این عنوان یا مشابه این عنوان ثبت نگردیده است و فقط ارتباطی جزئی با برخی کتب تاریخ اسلام دارد. کتاب‌هایی چون «سرور زنان جهان ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (س)» توسط خانم اکرم سادات هاشمی‌نژاد در سال ۱۳۹۵ و همین‌طور کتاب «خصائص ام المؤمنین خدیجه کبری علیها سلام» توسط آقای حسین تهرانی در سال ۱۳۹۵ یا مقاله‌ای با عنوان «مختصری درباره زندگی‌نامه حضرت خدیجه (س)» توسط خانم آسیه ثانوی در سال ۱۳۹۹ تألیف شده است، که تنها به گوشه‌ای از مباحث مربوط به زندگانی حضرت خدیجه (س) پرداخته شده؛ اما به نظر می‌رسد این اولین کار تحقیقی است که به بررسی ابعاد وجودی حضرت خدیجه کبری (س) در همراهی با پیامبر اسلام (ص) می‌پردازد.

در این مجال سعی شده با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی، ابتدا به برخی از ابعاد وجودی حضرت خدیجه کبری (س) هم‌چون منزلت خانوادگی، پاکدامنی و حیا، بخشش اموال،

مُبلغ دین و... پرداخته شود، تا از رهگذر آن به تأثیر شخصیت بی نظیر حضرت خدیجه (س) در همراهی با رسول خدا (ص) بلاخص در تأیید و تصدیق نبوت، ماجرای شعب ابی طالب و برخورد مشرکان، در امر خطیر رسالت، دست یافت.

مفهوم شناسی

بینش: بینش در لغت به معنای: (ن) (امص) اسم مصدر از دیدن، قدرت دید، بینائی و به معنای بیندگی، بصیرت، نگاه و نظر است. (عمید، ۱۳۴۲، ص ۲۴۴، ذیل واژه؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۳۲۵، ذیل واژه؛ معین، ۱۳۸۶، ص ۲۷۸، ذیل واژه) و در اصطلاح: اندیشه در انسانی که به عنوان موجودی اندیشه ورز، شناخته می شود از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. اهمیت اندیشیدن در انسان تا اندازه ای است که برخی اندیشیدن را اساسی ترین ویژگی انسان دانسته اند که او را از دیگر حیوانات جدا می سازد. تفکر و اندیشیدن به معنای سیر در میان دانسته های انسان برای کشف ندانسته های اوست. (رازی، بی تا، ص ۲۴۲؛ یزدی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۱) بینش، بازگشت به فطرت و بهره مندی از ایمان و محبت، امید به خدا و پرهیزگاری است. جایگاه این گونه بینش بسی والاست و حقیقت را مستقیم و بی واسطه به انسان باز می شناساند. (صدر، ۱۳۶۲، صص ۱۵-۱۰)

ابعاد وجودی: ابعاد در لغت به معنای اندازه و اهمیت و وجود به معنای هستی، هویت و بودن است. (عمید، ۱۳۴۲، ص ۸۷ و ۱۰۶۵، ذیل واژه؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۹۲ و ۱۰۷۸، ذیل واژه) اما در اصلاح: یکی از ابعاد وجودی انسان، ساحت تفکر و تعقل است که انسان را از سایر موجودات، ممتاز می سازد و برتری انسان نسبت به جماد و نبات و حیوان به این است که انسان، دارای قوه ناطقه و دارای دو بُعد روحانی و جسمانی است و به سبب آن، میل به اندیشیدن و تفکر دارد و این بُعد از وجود انسان، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه بوده تا آن جا که کسانی مانند افلاطون، تنها همین بُعد از روح انسان را پس از مرگ، باقی می دانستند و اعتقاد داشتند، بقیه ابعاد وجودی انسان، پس از مرگ بدن، نابود می شوند. (کاپلستون، ۱۹۴۶م، ج ۱، صص ۲۴۲-۲۴۱) ویلیام جیمز، فیلسوف و روان شناس آمریکایی در همین زمینه می گوید: «ما دارای فکر و تعقل هستیم و نمی توانیم دروازه فکر و تعقل خود را بر روی بعضی از شئون زندگی خود ببندیم. حتی وقتی با خودمان حرف می زنیم، آن جا هم استدلال و عقل دخالت دارد». (جیمز، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳)

مسائلی که درباره آفرینش جهان هستی، اعم از غیب و شهود مطرح می‌شود، مصداق اتم آن آفرینش و ظهور انسان است؛ بنابراین اگرچه آفرینش وجه عام کنز خفی الهی است، اما انسان کامل وجه خاص آن است زیرا وی یگانه موجودی است که به صورت الهی آفریده شده است. (ابن عربی، ۱۳۶۶، ص ۵۰۴)

أم المؤمنین: ام المؤمنین (مادر مؤمنان) لقب همسران پیامبرگرامی اسلام (ص) بود. این عنوان برگرفته از بخشی از آیه ۶ سوره مبارکه احزاب می‌باشد: (پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و همسرانش مادران ایشانند).^۱ بر اساس این آیه، همسران پیامبر (ص) به منزله مادر مؤمنان هستند؛ البته مادر معنوی و روحانی. همان گونه که رسول خدا پدر روحانی امت هستند. باید دانست که تاثیر این ارتباط و پیوند معنوی مادری، تنها در حرمت ازدواج و حفظ احترام زنان پیامبر (ص) بوده و از سایر جهات همچون قانون ارث و محرمات نسبی و سببی و حرمت نگاه کردن که بین مادر حقیقی و فرزندان برقرار است، تفاوتی با زنان دیگر نداشتند. در واقع مؤمنان، از همسران پیامبر ارث نمی‌بردند و می‌توانستند با دختران آنها ازدواج کنند، همچنین نگاه کردن به همسران پیامبر (ص) برای آنان حرام بوده است.

حضرت خدیجه (س)، عایشه، حفصه، أم سلمه، زینب، صفیّه، میمونیه، أم حبیبیه، رمله دختر ابوسفیان، جویره، همگی از همسران پیامبرگرامی اسلام (ص) بودند و لقب همه‌ی آنان أم المؤمنین بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۷، ص ۵۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ص ۶۳۹؛ عسکری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۷۴)

ابعاد وجودی حضرت خدیجه کبری (س)

قطعاً شناخت تمام ابعاد وجودی هم‌چون حضرت خدیجه (س) کاری بس دشوار است. بانویی که پیامبر اسلام با شنیدن نام وی، اشک بر گونه‌های مبارکشان جاری می‌گشت و از او به بزرگی یاد می‌کرد. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۱۱) لذا در حد وسع، به نکاتی از ابعاد وجودی ایشان اشاره خواهد شد.

۱- منزلت خانوادگی

خانواده در شکل گرفتن شخصیت فرزند نقش بسزایی ایفا می‌کند. در مورد حضرت خدیجه (س) نیز این امر صدق می‌کرد. پدر و مادر حضرت خدیجه (س) هر دو از قبیله قریش بودند. در کتب تاریخی درباره نسب او آورده‌اند: «وَهِيَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدِ بْنِ أَسَدِ بْنِ عَبْدِ الْعُزَّى بْنِ قُصَيِّ بْنِ كِلَابِ بْنِ مُرَّةَ بْنِ كَعْبِ بْنِ لُؤَيِّ بْنِ غَالِبِ بْنِ

۱. «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ...»

فَهْرٍ. وَأُمُّهَا: فَاطِمَةُ بِنْتُ زَائِدَةَ بِنِ الْأَصَمِّ بِنِ رَوَاحَةَ بِنِ حَجْرٍ بِنِ عَبْدِ بِنِ مَعِيصٍ بِنِ عَامِرٍ بِنِ لُؤَىِّ بِنِ غَالِبٍ بِنِ فَهْرٍ»
بنابراین نسب او با نسب پیامبر اسلام (ص) از ناحیه پدر به «قصی» و از ناحیه مادر به «لوی» می‌رسند. (الحمیری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۱۹۰؛ کاتب واقدی، ۱۹۶۸م، ج ۸، ص ۱۴)

خویند پدر حضرت خدیجه (س) از بزرگان و شخصیت‌های برجسته‌ی قریش و پیرو آیین ابراهیم (ع) بودند، وی وضعیت مالی بسیار خوبی داشت و در بین مردم نام‌آور، و دارای احترام بسیاری بودند. او در دوره‌ی جاهلیت، بزرگ طایفه‌ی خویش بود، و در جنگ فجار دوم، که قبیله‌ی قریش آماده جنگ با کنانه بود، ریاست طایفه اسد را بر عهده داشت.^۱ (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۹۳)

پدر بزرگ حضرت خدیجه (س)، یکی از اعضای برجسته «حلف الفضول» بود؛^۲ پیمانی که پیامبر اسلام نیز قبل از بعثت به آن پیوست و همیشه به عضویت در آن افتخار می‌کرد، چون هدف از آن پیمان، حمایت همه‌جانبه از مظلومان و دفاع از حق بود. (الحمیری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۱۳۳)

«فاطمه» مادر حضرت خدیجه (س) در یکی از اصیل‌ترین خانه‌ها و خاندان‌های عرب از نظر حسب و نسب، دیده به جهان گشود، و با بهره‌وری از ثروت و امکانات زندگی، در کنار پدر و مادری نیک اندیش و آبرومند، پرورش یافت. از ویژگی‌های مادر ارجمند حضرت خدیجه (س) این بود که، در آن شرایط که زنان و دختران در خاندان‌های ثروتمند و صاحب قدرت غرق در دنیاپرستی، هوا و هوس و در اسارت پرستش‌های ذلت‌بار و خرافه زندگی می‌کردند، از سویی از ارزش‌های منفی و ناپسند اعلام بیزاری می‌نمود و از سوی دیگر دنیای وجود خود را به ارزش‌ها آراسته می‌ساخت و به دین و آیین پدران یکتاپرست و عدالت‌خواه خود، حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهم‌السلام) ایمان داشت. (کریمی فریدنی، ۱۳۸۳ش، ص ۹)

۱. این جنگ را از آن رو فجار می‌گویند که در ماه‌های حرام رخ می‌داد.

۲. حلف الفضول هذا قبل البعث، و كان أكرم حلف و أشرفه؛ تداعت قبائل من قریش إلى حلف، فاجتمعوا له فی دار عبد الله بن جدعان ابن عمرو بن كعب بن سعد بن تيم بن مرة بن كعب بن لؤي، لشرفه و سنه، فكان حلفهم عنده: بنو هاشم، و بنو المطلب، و أسد بن عبد العزی، و زهرة ابن كلاب، و تيم بن مرة. فتعاقدوا و تعاهدوا علی أن لا یجدوا بمكة مظلوما و ... النهی عما كانت تفعله الجاهلیة من المحالفة علی الفتن، و القتال بین القبائل و الغارات.

۲- بصیرت و اندیشه‌ی ژرف

از ویژگی‌های حضرت خدیجه (س) آن است که ایشان از هوش، عقل و بصیرت سرشاری برخوردار بودند، آن‌چنان که درباره ایشان گفته شده: «کانت خدیجة امرأة حازمة لیبیة؛ خدیجه بانویی خردمند و خردورز بود». (اربلی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۱۳۲) در فضایی که جهل و بی‌تدبیری همه جا را گرفته بود، به ویژه زنان که از بیشتر مزایای زندگی محروم و طرد شده بودند، خدیجه (س) دارای کمال، ادب، ایمان و بصیرت در بالاترین سطح بود.^۱ همچنین روایت کردن حدیث نیاز به هوش و حافظه‌ای قوی دارد. لذا نام مبارک حضرت خدیجه (س) به جهت داشتن این ویژگی در زمره بانوان راوی حدیث ذکر شده است. (الکلاباذی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۳۵)

در «صحیح بخاری» آمده است: «از زن‌های زمان خود زیباتر و عقل و درایتش کامل تر و رأی و دیدگاهش تمام‌تر بود.»^۲ (بخاری، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹۲، ح ۳۸۱۸) زنی که بتواند کاروان‌های بزرگ تجاری را مدیریت کند، قطعاً صاحب چنین صفاتی است. ایشان حداقل با چهار کشور (همچون شام، حبشه، مصر، یمن و...) ارتباط اقتصادی پاک و بدون ربا برقرار کرده بود و حدود چهارصد نفر کارگزار و نیرو زیر دست ایشان بود و هشتاد هزار شتر داشت. این‌ها نشانه عقل و درایت این بانوی بزرگوار می‌باشد.

ایشان در زمینه شعر و ادب دارای هوش بالایی سرشاری بودند. نمونه‌ای از اشعار ایشان «اگر من روز را در میان همه‌ی نعمت‌ها به شب رسانم، و دنیا و سلطنت شاهان بزرگ ایران، همیشه برای من باشد، اگر دیدگانم به تماشای چشمان تو نپردازند، همه‌ی این‌ها برای من به اندازه‌ی بال پشه‌ای ارزش ندارند» می‌باشد.^۳ (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۵۲؛ نمازی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۴۰)

حضرت خدیجه (س) نه مانند زن عادی و معمولی آن روز جامعه عرب، به گوشه‌گیری و انزواگزینی ظالمانه و تحمیلی تن سپرده بود و نه هم‌چون زنان اشراف، شب‌نشینی‌ها و اسارت‌ها و حقارت‌ها و بردگی جنسی را به

۱. «... وَ كَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالاً، وَ أَكْمَلُهُنَّ عَقْلاً، وَ أَتَمَّهُنَّ رَأْيًا، وَ أَكْثَرَهُنَّ عِفَّةً وَ دِيناً وَ حَيَاءً وَ مُرُوءَةً وَ مَالاً؛ خدیجه در زیبایی زیباترین زن و از نظر خرد و اندیشه، خردمندترین و اندیشمندترین آنان بود. او در پاک‌روشی و پاک‌منشی، دین‌باوری و خداجویی، وقار و حیاء و عترت و آزادگی آراسته‌ترین‌ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان به شمار می‌رفت.» (مجلات، ج ۲، ۱۳۸۵ش، ص ۲۰۴؛ حائری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۳۲)

۲. أَنْتَ مِنْ أَحْسَنِ نِسَاءِ جَمَالاً وَ أَكْمَلُهُنَّ عَقْلاً وَ أَتَمَّهُنَّ رَأْيًا؛

۳. این تعبیر همانند آن است که ما می‌گوییم یک تار موی تو را به همه‌ی عالم نمی‌دهم.

رسمیت می شناخت. او به آیین بت پرستی رایج بها نمی داد و سخت منتقد و مخالف آن بود. (خصائص، ۱۳۹۳ش، صص ۴۵۶-۴۵۸)

۳- دیدار نشانه های نبوت

وقتی حضرت خدیجه (س) از پسرعمویش، ورقه بن نوفل و دیگر آشنایان با کتب ادیان، درباره ی پیامبر آخرالزمان مطالبی می شنید، اشتیاقش به دیدار پیامبر موعود بیشتر می شد. حضرت خدیجه (س) شنیده بود دانشمندان یهود، برخی نشانه های پیامبر آخرالزمان را با ویژگی های محمد امین (ص) هماهنگ دانسته اند. این شنیده ها حضرت خدیجه (س) را علاقه مند ساخت تا در احوال و ویژگی های حضرت محمد (ص) بیش از پیش توجه کند. هرچه حضرت خدیجه (س) درباره ی احوالات محمد امین (ص) بیشتر پژوهش می کرد، با ویژگی های اخلاقی و کرامت های انسانی بیشتری آشنا می شد. بدین سان، مهر حضرت محمد (ص) رفته رفته بر دل حضرت خدیجه (س) نشست. روزی حضرت خدیجه (س) در مجلسی حضور یافت. ناگاه دانشمندی یهودی با دیدن محمد امین (ص) بی اختیار گفت: «به خدا سوگند، این جوان، خاتم پیامبران است.»

حاضران در برابر این سخن واکنش نشان دادند. حضرت خدیجه (س) که مطالب بسیاری در این باره شنیده بود، از دانشمند یهودی سوال نمود: «تو از کجا دانستی که محمد، پیامبر است؟» وی گفت: «من درباره ویژگی های او در کتاب آسمانی تورات خوانده ام. همین شخص در آخرالزمان به پیامبری برانگیخته می شود. پدر و مادرش از دنیا رفته اند؛ جدش (عبدالمطلب) و عمویش (ابوطالب) از او سرپرستی می نمایند و به زودی با بانویی از قریش که سرور قوم و رئیس قبیله ی خود است، ازدواج می کند. گویا فردی یهودی در سخنان خود، حضرت خدیجه (س) را همان بانوی قریش خواند و تصریح کرد: «ای خدیجه! بکوش خشنودی محمد را به دست آوری، زیرا او مایه ی کرامت، شرافت و بزرگی دنیا و آخرت تو خواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، صص ۲۱ و ۲۰)

ورقه بن نوفل نیز بارها به حضرت خدیجه (س) گفته بود: «ای خدیجه! به زودی به مردی می پیوندی که برترین و شریف ترین انسان در سراسر زمین و آسمان هاست.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۲۱) علاوه بر این، برخی خواب ها نیز چنین رویداد مبارکی را به حضرت خدیجه (س) نوید می داد. (الحلبی الشافعی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۴)

در حقیقت او با کمال آگاهی و خردمندی با حضرت محمد(ص) ازدواج کرد و سال‌های سال از وجود با برکت آن حضرت کسب فیض نمود تا اینکه به درجات عالی علم و دانش ارتقا پیدا کرد. از این رو وی ملقب به «فاضله» شد. ۱. (الحائری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۳۲)

۴- پاکدامنی و حیا

خدیجه(س) طبق سنت قبیله‌اش، خود را با اخلاق حمیده آراست و با درایت و پاکدامنی پرورش یافت. فضائل اخلاقی وی در آن محیط آلوده، زیانزد عام و خاص بود. به واسطه اینکه کارهای زنان دوره‌ی جاهلی را انجام نمی‌داد و از همه‌ی آلودگی‌ها مبرا بود، یعنی این بانوی گرامی حتی پیش از بعثت و نزول قرآن نیز پاک‌روش و پاک‌منش می‌زیست. از این رو به «طاهره» معروف بود. «كَانَتْ تُدْعَى قَبْلَ الْبِعْثَةِ، الطَّاهِرَةَ» (العسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۹۹)

«عفت» به معنی خودداری از حرام و به اضافه آن، خودداری از درخواست از مردم است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۹۲) وی همچنین دارای ویژگی بسیار ارزشمند «عفاف» بود، از این رو آن حضرت ملقب به «عفیفة» شد، و برخوردار از زیبایی‌ها و جمال باطنی گردید. «... و كانت تدعى فى الجاهلیة باطاهرة لشدة عفافها» (الحمیری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۱۸۷؛ زرقانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۳۷۳ و ۱۹۹)

ویژگی «حیاء» از سویی انسان را به کسب ارزش‌ها و انجام نیکی‌ها و رعایت مقررات اجتماعی برمی‌انگیزد و از سویی دیگر مانع مهم روانی برای قانون‌شکنی و قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی است. پیامبر درباره‌ی بازدارندگی روانی «حیاء» از ستم و گناه و خودکامگی و زشتکاری می‌فرماید: «الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ الْفِعْلِ الْقَبِيحِ؛ شرم و حیا، انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد» (التمیمی الآمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۴)

۵- ابراز محبت به کارگزاران

حضرت خدیجه بنت خویلد دارای شرف و منزلت، زنی تاجره، و مال‌دارترین فرد قریش بود.^۲ (طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵) او مال خود را برای تجارت به مردم مضاربه می‌داد و قسمتی از سود آن را به کارگزاران خود هدیه

۱. علی هذه المرأة الجليلة النبيلة الاصلية العقيلة الكاملة العاقلة الباذلة العالمة الفاضلة العابدة...

۲. كانت خدیجة يومئذ أوسط نساء قریش نسبا وأعظمهن شرفا وأكثرهن مالا.

می داد. (اربلی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۷۳) حضرت خدیجه (س) در ابعاد گوناگون انسانی، شخصیتی والا و ارزشمندی داشت، از جمله اینکه او دارای شخصیت ممتاز و بی نظیر عاطفی بود. مهر و محبت ویژه ای - بالأخص - به مستضعفان داشت، حضرت محمد (ص) که دوران نوجوانی را می گذراند، روزی با یکی از دوستانش که از قریش بود، به نمایندگی از حضرت خدیجه (س) در بازار تهامه به تجارت می پرداختند، حضرت خدیجه (س) بدون قرارداد قبلی دستور داده بود غذای مطبوعی آماده نموده و برای حضرت محمد (ص) و دوستش بفرستند، حضرت محمد (ص) از آن همه مهر و عطف حضرت خدیجه (س) سپاسگزاری کرد، و این نشان دهنده آن است که حضرت خدیجه (س) از شخصیت عاطفی بسیار بالایی برخوردار است. از این رو پیامبر (ص) هرگز این خاطره ی مهرانگیز را فراموش نمی کرد، گاهی از آن یاد کرده و می فرمودند: «ما رایت من صاحبه لاجیر خیراً من خدیجه ما کنا نرجع انا وصاحبی الا وجدنا عندها تحفه من طعام تخبأه لنا؛ من کارفرمایی بهتر از خدیجه (س) ندیدم، هر وقت من و دوستم پس از کار نزد او می رفتیم می دیدیم غذایی گوارا برای ما آماده نموده و به ما هدیه می کرد.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، صص ۹ و ۱۰؛ الرازی الدولابی، بی تا، ج ۱، ص ۴۹)

۶- همسری مهربان و مادری دلسوز

حضرت خدیجه (س) به همسر خویش مهر و محبتی وافر داشت؛ چنان که وقتی پیامبر (ص) را ملاقات می کردند، عرضه می داشت: «یا سیدی یا حبیبی، ای سرور و نور چشم من، به خدا سوگند که تو محبوب منی، همه مال و قوم و خویشان من به فدای تو، تو از همه آنان پیش من عزیزتری»^۱ (بکری، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۲۹۴) در ایام بیماری حضرت خدیجه (س)، که به رحلت او انجامید، روزی اسماء بنت عمیس به عیادتش آمد، او خدیجه را گریان و ناراحت دید، به او دلداری داد و گفت: تو از بهترین زنان عالم هستی، تو تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدی، تو همسر رسول گرامی اسلام هستی، و آن حضرت بارها و بارها تو را به بهشت بشارت داده، با این همه چرا گریان و نگران می باشی؟ حضرت خدیجه (س) فرمودند: اسماء! من در فکر این هستم که دخترم هنگام زفاف، نیاز به مادر دارد، تا نگرانی ها و اسرارش را به مادرش بگوید، خواسته هایش را به عنوان محرم اسرار مطرح کند، کوچک است، می ترسم کسی نباشد که متکفل کارهای وی در هنگام عروسی شود، و برای او مادری کند. اسماء بنت عمیس گفت: ای بانوی من! نگران نباش من با تو عهد می بندم اگر تا آن موقع

۱. قالت خدیجهُ إنما تهیننی بسلامتک یا سیدی و یا قره عینی و الله أنت حبیبی و أعز عندی من المال و الأهل و الأقارب و أحب إلی من ذلک.

زنده ماندم به جای تو برای فاطمه (س) مادری کنم، و نیازهای روحی و عاطفیش را برطرف نمایم.^۱ (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۰۶؛ پاک‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۳۷؛ علی بخشی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۷)

۷- صورت و سیرت نیکو

امام حسن مجتبی (ع) که به شهادت تاریخ در زیبایی ظاهر و باطن سرآمد همگان بودند، درباره تفسیر آیه ۸ سوره مبارکه انفطار «فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ» فرمودند: «آن‌گاه که خدای توانا، طرح آفرینش را افکند و انسان‌ها را آفرید، علی (ع) را از پدرش ابوطالب، در سیما و منش، شبیه‌ترین فرد به رسول الله (ص) خلق کرد و حسین (ع) را شبیه‌ترین فرد به فاطمه (س) و من در سیما و منش، شبیه‌ترین فرد به جدی گرانمایه‌ام، خدیجه کبری هستم.»^۲ (قمی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۶۵)

خدیجه کبری (س) همراه پیامبر اسلام (ص)

بلندای مقام حضرت خدیجه (س) آن‌چنان است که خداوند به وسیله جبرئیل به وی سلام فرستاد و او را پاداش عظیم وعده داد. از این رو درگذشت حضرت خدیجه برای پیامبر اسلام (ص) مصیبتی بس بزرگ بود زیرا خدیجه وزنه زندگی رسول خدا بود و به احترام حضرت خدیجه (س) بسیاری به پیامبر احترام می‌کردند، و یا متعرض او نمی‌شدند. به اعتراف تمام فرق اسلامی یک رکن پیشرفت اسلام بر دوش خدیجه بود و در اثر خدمت و فداکاری وی پیغمبر توفیق حاصل کرد و به همین جهت به حق لقب «ام المؤمنین» به خود گرفت. (ابن طاووس، ۱۳۷۴ش، صص ۴۴۳ و ۴۴۲) و جدی بهترین بندگان خدا (حسنین) شد. (دیلمی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۴۱۷) وی یکی از چهار زن بهشتی نام گرفت.^۳ (ابن بابویه، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۹۶)

۱. کنت حضرت وفاء خدیجه فبکت خدیجه عند وفاتها فقلت لها أتبکین وأنت سیده نساء العالمین وأنت زوجة النبی ص ومبشرة علی لسانه بالجنة. فقالت: ما لهذا بکیت ولكن المرأة لیلۃ زفافها لا بد لها من امرأة تفضی إليها بسرها وتستعین بها علی حوائجها وفاطمة حدیثة عهد بصبا وأخاف أن لا یكون لها من یتولی امرها حینئذ قالت أسماء بنت عمیس فقلت لها یا سیدتی لک عهد الله علی ان بقیت إلى ذلك الوقت ان أقوم مقامک فی ذلك الأمر.

۲. قال: صور الله علیا (علیه السلام) فی ظهر ابي طالب علی صورہ محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، فكان علی بن ابي طالب أشبه الناس برسول الله، و كان الحسين بن علی أشبه الناس بفاطمه (علیها السلام) و کنت أشبه الناس بخدیجه الکبری.

۳. رسول خدا بر زمین چهار خط کشید و فرمود: می‌دانید این چیست؟ گفتند خدا و رسولش داناترند، فرمودند: بهترین زنان بهشت چهارند، خدیجه دختر خویلد؛ فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم زن فرعون.

حضرت خدیجه آن چنان پیامبر را اطاعت و همراهی می نمود که مانند حضرت مریم (س) مائده آسمانی برایش نازل می شد. چنانچه نقل شده است، روزی جبرئیل بر پیامبر نازل شد و ظرفی از بهشت آورد که دارای طعام و شراب بهشتی بود. و گفت: ای رسول خدا این مائده برای خدیجه است. از طرف پروردگارش و من، به او سلام برسان و به وی مژده بده به یک قصری در بهشت که در آن جا سر و صدا و مشقت نیست.^۱ (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۸۷؛ ابن طاووس، ۱۳۷۴، ص ۴۴۳)

حضرت خدیجه (س) در سال دهم بعثت رحلت کرد و پیامبر (ص) آن سال را عام الحزن نامید و فرمودند: «به سوی خوبی و پاکی بشتاب! تو بهترین و برترین زنان عالمینی».^۲ (اخطب خوارزم و سماوی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۲) حضرت خدیجه (س) به عنوان اولین همسر رسول خدا چه قبل از بعثت و چه بعد از بعثت، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف پیامبر داشت و در این راه رنج و سختی فراوانی را تحمل کرد و همواره همراه و پشتیبان او بود.

۱- بخشش اموال

اولین اقدام خدیجه (س) بعد از خواندن خطبه عقد در اختیار گذاشتن اموال، حتی خانه خود، به پیامبر اسلام (ص) بود و به ایشان عرض کردند: «الی بیتک فبیتی و أنا جاریتک؛ به سوی خانه خود بیاید که خانه من خانه شما و من خدمتکار شمایم.» (قمی، ۱۳۴۴ق، ج ۲، ص ۵۶۷) این تصمیم بزرگ زبان طعن و استهزاء را برید و جامعه را به نفع حضرت محمد (ص) و پیامی که از طرف خداوند متعال خواهد داشت، آماده کرد، و بدین صورت خداوند پیامبر خود را با اموال خدیجه (س) غنی ساخت.^۳ (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۶۷)

بخشش مال از روی هوا و هوس نبود، بلکه او در چهره و رفتار امین عرب آینده‌ای درخشان و ممتاز می دید به همین جهت به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: «یا ابن عمِ اِنِّی قَد رَغِبْتُ فِیْکَ لِتَقْرَابَتِکَ وَسَطَّتِکَ

۱. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةٌ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ، فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ، فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا عَزَّ وَجَلَّ، وَمِنِّي، وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ، لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ.

۲. فبکی رسول الله صَلَّى الله عليه و آله و دعا لها، ثم قال لها: «أقدمي خیر مقدم یا خدیجة! أنت خیر امهات المؤمنین و أفضلهن، و سیده نساء العالمین.»

۳. «وَوَجَدَكَ عَائِلًا» أَيْ فَقِيرًا لَا مَالَ لَكَ «فَأَغْنِي» أَيْ فَأَغْنَاكَ بِمَالِ خَدِيجَةَ.

فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک ثم عرضت علیه نفسها؛ ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندیت با من، شرف و امانتداریت در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیک و راستگوییت به تو تمایل پیدا کردم.» (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۳۵)

۲- تأیید و تصدیق نبوت

در سال‌های جهل و گمراهی مردم، میزان خطرات پذیرش اسلام به حدی بود که مدت‌ها رسول خدا (ص) و حضرت خدیجه اسلام خود را پنهان می‌داشتند، تا دستور اعلان آن رسید. (کلینی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۲۶۹) طبق اتفاق مسلمین، حضرت خدیجه (س) اول زنی بود که به خدا و رسولش ایمان آورده و او را تصدیق نموده است. (کلینی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۲۷۴) حضرت خدیجه (س) به عنوان یکی از زنان شاخص آن عصر، آن‌چنان پیامبر (ص) را تأیید و تصدیق می‌کرد که رسول خدا ایشان را «صدیقه امت اسلامی» نامیدند.^۱ (ابن مغزلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۲۹۹ و ابن کثیر، بی تا، ج ۲، ص ۶۲)

روایات بسیاری از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که گویای اهمیت رویکرد حضرت خدیجه (س) به پیامبر اسلام در آن فضای جاهلی و غربت حضرت رسول (ص) می‌باشد. وقتی که حتی بسیاری از بستگان رسول اکرم (ص) نیز پیامبر را تنها گذاشتند و حتی کمر همت به نابودی او بستند، حضرت خدیجه (س) به حضرت محمد (ص) روی آورد و با او پیمانی جاودان بست و تالحه آخر زندگی بر عهدش استوار ماند. پیامبر نیز بادرک چنین فضیلتی از حضرت خدیجه (س) بود که همواره تأکید می‌کرد «این مثل خدیجه» از جمله زمانی که هاله، خواهر حضرت خدیجه (س) برای زیارت پیامبر (ص) به مدینه آمد، پیامبر با دیدن او به یاد حضرت خدیجه (س) افتاد و از شدت تأثر به خود می‌لرزید. بعد از رفتن او، عایشه پرسید: چه قدر از پیر زن قریش که سال خوردگی صورتش را چروکین و سرخ کرده بود یاد می‌کنی با آن که روزگار او را نابود کرده و خداوند همسری بهتر به شما عطا نموده؟! پیامبر فرمودند: «هرگز، به خدا سوگند! بهتر از خدیجه هیچ‌گاه نصیب نشد، او هنگامی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می‌کردند.» (شوشتری، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۴۳۲؛ میانجی، ۱۳۸۰، ص ۳۹)

۱. «هذه صدیقة أمتی».

۳- سبقت در ایمان

حضرت خدیجه (س) در روزگاری به پیامبر (ص) ایمان آورد که بسیاری از صحابه، ایشان را تکذیب می‌کردند و نسبت ساحر، جادوگر و مجنون به ایشان می‌دادند. در این شرایط ایمان حضرت خدیجه (س) آن قدر ارزشمند بود که پیامبر (ص) فرمودند: «خدا شاهد است خدیجه زنی بود که چون همه از من رو بر می‌گردانیدند، او به من رو کرد و چون همه از من می‌گریختند، خدیجه به من محبت و مهربانی کرد چون همه دعوت مرا تکذیب می‌کردند، خدیجه به من ایمان آورد و مرا تصدیق می‌کرد.» (ابن طاووس، ۱۳۷۴ش، ص ۴۴۳)

عبدالله بن مسعود نمونه‌ای از مشاهدات خود پیرامون ایمان حضرت خدیجه (س) را آن زمان که هیچ کسی به پیامبر ایمان نیاورده بود، این‌گونه بیان کرده: «نخستین چیزی که از اسلام دانستم این بود که با عموهام و تعدادی از اعضای قبیله، وارد مکه شدیم. چون می‌خواستیم مقداری عطر بخریم ما را به عباس بن عبدالمطلب راهنمایی کردند. او بالای چاه زمزم، در کنار کعبه نشسته بود. زمانی که به سوی او رفتیم، دیدیم مردی که دو لباس سفید پوشیده و گیسوان و ریش‌های پر و دندان‌های سفید و... داشت و چهره اش هم‌چون ماه می‌درخشید، از باب صفا وارد مسجدالحرام گشت. در طرف راست وی یک نوجوان و پشت سرش بانویی پوشیده را دیدیم. آن‌ها کنار حجرالأسود رفتند. ابتدا آن مرد به حجرالأسود دست کشید، سپس آن نوجوان و بعد آن بانو. آن‌گاه هر سه به طواف کعبه مشغول شدند. وقتی هفت بار کعبه را طواف کردند، کنار حجراسماعیل آمدند و نماز جماعت خواندند. آن مرد هنگام تکبیر دست‌هایش را تا کنار گوشش‌هایش بالا آورد تا به قنوت نماز رسیدند. قنوت را طولانی کردند تا آن که نماز تمام شد. من که چنین چیزی ندیده بودم، از ابن عباس پرسیدم: آیا دین جدیدی به مکه آمده است؟ من چنین دینی را در مکه ندیده‌ام؟ گفت: این مرد برادرزاده من، محمدبن عبدالله است و آن نوجوان برادرزاده دیگرم علی بن ابی طالب و آن خانم هم همسر محمد؛ خدیجه دختر خویلد است. به خدا سوگند غیر از این سه نفر کسی در روی زمین به این دین اعتقاد ندارد.» (مفید، ۱۳۸۰ش، ص ۳۱ و ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۲۲۵؛ میانجی، ۱۳۸۰، ص ۳۹؛ علی بخشی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۴)

همچنین مجلسی نقل می‌کند: روزی رسول خدا (ص)، حضرت خدیجه (س) را نزد خود فراخواند و فرمود: این جبرئیل است و می‌گویند: «برای اسلام شروطی است؛ اول؛ اقرار به یگانگی خدا، دوم؛ اقرار به رسالت پیامبر، سوم؛ اقرار به معاد و عمل به اصول و مهمات شرع، چهارم؛ پیروی از روش وصی من و براءت از دشمن او.»

حضرت خدیجه (س) نیز به آن‌ها اقرار کرده و از سبقت گیرندگان به اسلام بود. (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۶۵، ص ۵۲۹) و با سبقت گرفتن در پذیرش نبوت همسرش، مصداق آیات «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^۱ (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۱۲) و «وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ»^۲ می‌باشد. (حسکانی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۳۶)

۴- مبلغ دین

زنان به‌عنوان مربی و مدبر در خانواده مؤثرترین عضو جامعه محسوب می‌گردند و در واقع زنان بر جامعه حاکمند؛ حتی اگر زن‌ها به کنج خانه‌ها راهی شوند و هیچ‌گونه امکان حضور در صحنه‌های اجتماعی را نداشته باشند باز هم مؤثرترین عنصر خانواده به شمار می‌آیند که به نوبه‌ی خود تأثیر مستقیم بر جامعه خواهند داشت، پس چه بهتر که این سرمایه‌ی ذی‌قیمت به خوبی حفظ شود و در جهت رشد و تعالی آنان، همه‌ی افراد جامعه احساس مسؤلیت کنند یکی از محققین اسلامی می‌گوید: "دین از آن جهت که بشر را با دید جمعی می‌نگرد، برای انسان یک هویت جمعی قائل است و یک سلسله وظایفی را به‌عنوان مسائل اجتماعی مطرح می‌نماید. مسلمانان را به انجام آن وظایف فرا می‌خواند و تنها کسی که اهل قیام و اقدام باشد، مسأله‌ی هویت اجتماعی بشر را به خوبی درک می‌نماید. سپس می‌گوید: وقتی به آمار و ارقام پیشگامان دین مراجعه می‌کنید همان‌گونه که امیرالمؤمنین (ع) در صف مقدم حضور دارند، زنانی چون حضرت خدیجه (س) و سمیه آل‌یاسر در صف مقدم، حضور دارند. حضور در صحنه‌ی سیاست و اجتماع چنین زنانی تنها در اثر بلوغ فکری و فرهنگی آنان است که حقانیت دین را تشخیص داده‌اند. مبارزات قولی و عملی زنان از صدر اسلام در حالت سراء و ضراء به یاد مانده است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۷۳) در این دوران حضرت خدیجه (س) به سبقت گرفتن در اسلام اکتفا نکرده و در جهت تبلیغ و ترویج دین در میان مردم تلاش‌های بسیار فراوانی داشت. ایشان با تبلیغات زبانی و عملی در نشر و شکوفایی دین، همسو با همسر خود شد و از بذل مال و جان و آسایش خود دریغ نکرد. ایشان همواره به معرفی و بازگو کردن کمالات روحی پیامبر (ص) می‌پرداخت و با عبارات کوتاه مقام بلند رسالت را به دیگران گوشزد می‌نمود؛ مانند روزی که پیامبر (ص) برای زن ناینبایی که نزد حضرت خدیجه (س)

۱. واقعه (۵۶)، آیه ۱۰ و ۱۱. يَقُولُ اللَّهُ: «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» رَسُوْلُ اللَّهِ صَ وَ خَدِيْجَةُ وَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ وَ ذُرِّيَّاتُهُمْ تَلْحَقُ بِهِمْ. (تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۱۲)

۲. و زندگانی مانند علی علیه السلام، حمزه، جعفر، حسن، حسین، فاطمه، خدیجه علیهم السلام، با زندگانی کفار مکه (الأموات) برابر نیست.

حضور داشت، دعا کرد؛ که برای تو دو چشم سالم باشد، و زن بی‌نا شد. حضرت خدیجه (س) عرض کرد: این دعا مبارک است، و پیامبر (ص) نیز فرمودند: «و ما ارسلناک الا رحمة»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۱۷)

پشتیبان معنوی

در راه پر فراز و نشیب رسالت، حضرت خدیجه (س) همواره تسلی‌بخش و پشتیبان پیامبر اسلام (ص) بود. از جمله:

۱- انیس و غم زدای پیامبر (ص)

وقتی پیامبر (ص) مبعوث شد، نگران برخورد مردم و عدم پذیرش از جانب آن‌ها بود. حضرت خدیجه (س) همواره او را دل‌داری می‌داد و با نگاهی احترام‌آمیز می‌گفت: «شاد باش و پایدار، به خدایی که جان خدیجه در دست او است، من امیدوارم که تو پیغمبر این امت باشی»^۲ (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲) خداوند متعال تو را خوار نخواهد کرد تو با خویشان نیکی می‌کنی، راست می‌گویی، رنج می‌بری، از مهمان‌نوازی می‌کنی، و از زحمت در راه حق باک نداری.» (ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۲۳۸) و این گونه با برطرف کردن غم و اندوه و تبدیل آن به نشاط، مقوم قلب مبارک رسول الله بود. تا جایی که رسول خدا فرمود: «سپاس خدا را که اطعام کرد و لباس پوشاند و خدیجه را همسر قرار داد و من عاشق او بودم»^۳ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۰۱) پیامبر اسلام (ص) در مورد همسرگرمی خویش می‌فرماید: خدیجه زنی بود که چون همه از من روی گردانیدند، او به من روی کرد و چون همه از من دوری کردند، به من محبت و مهربانی کرد و چون همه دعوت مرا تکذیب کردند، به من ایمان آورد و مرا تصدیق نمود. در مشکلات زندگی مرا یاری می‌داد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۳۱؛ پاک‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۳۷؛ ابن طاووس، ۱۳۷۴، ص ۴۴۳)

۱. وَ كَانَ عِنْدَ خَدِيجَةَ امْرَأَةً عَمِيَاءُ فَقَالَ صِلْتُكُمْ نَفْسًا لَتَكُونَنَّ عَيْنَاكِ صَحِيحَتَيْنِ فَصَحَّحْنَا فَقَالَتْ خَدِيجَةُ هَذَا دُعَاءُ مُبَارَكٌ فَقَالَ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً.

۲. فَقَالَتْ: أُبَشِّرُ يَا بَنَ عَمِّ وَائِبِت، فَوَالَّذِي نَفْسُ خَدِيجَةَ بِيَدِهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ نَبِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ.

۳. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي الْخَمِيرَ، وَالْبَسَنِي الْحَرِيرَ، وَزَوَّجَنِي خَدِيجَةَ، وَكُنْتُ لَهَا عَاشِقًا.

۲- آرامش بخشی به جهت تحریم اقتصادی و برخورد مشرکان

خدیجه همسری مهربان و دلسوز برای پیامبر و در همه روی دادها با وی همراه و هم قدم بود. هنگامی که آن حضرت برای عبادت به کوه حرا راهی می شد تا به راز و نیاز با خداوند بپردازد، حضرت خدیجه (س) هرگز با رفتنش مخالفت نمی کرد و پیوسته یاور و پشتیبان او بود. حتی هنگامی که آن حضرت در غار حرا به سر می برد، بدون آن که با مخالفت حضرت خدیجه (س) روبه رو شود با برداشتن توشه غذای خود، به غار بازمی گشت. (بلاذری، ۱۹۵۹م، ج ۱، ص ۱۱۷) هنگامی که خداوند حضرت محمد(ص) را در غار حرا به رسالت برگزید، حضرت خدیجه (س) نخستین نفر از زنان بود که به وی ایمان آورد و حتی پذیرفت که همه دارایی خود را در راه پیشبرد اسلام به رسول خدا(ص) تقدیم نماید.

هنگامی که مشرکان مکه هم پیمان شدند تا بر بنی هاشم؛ یعنی حامیان و مدافعان رسول خدا(ص) فشار آورند و بر این شدند تا بنی هاشم را در شعب ابی طالب محصور کنند، «ابوجهل» از رساندن خوراک و آذوقه به شعب جلوگیری می کرد. حضرت خدیجه (س)، «زعمه بن اسود» را نزد ابوجهل فرستاد تا با او سخن بگوید و او را از این کار باز دارد، اما ابوجهل به سخنان او اعتنا نمی کرد تا اینکه «حکیم بن حزام» یک بار شتر از آرد برای حضرت خدیجه (س) به شعب فرستاد. (بلاذری، ۱۹۵۹م، ج ۱، ص ۲۷۲) بر پایه گزارشی؛ ابوجهل، حکیم بن حزام را با غلامش دید که چندی گندم همراه خود دارد و به شعب می برد. ابوجهل گفت: «آیا برای بنی هاشم آذوقه می بری؟ به خدا سوگند نمی گذارم از اینجا بروی تا اینکه رسوایت کنم». «ابوالبختری» (برادر ابوجهل) گفت: «این آذوقه از مال خدیجه می باشد و حکیم اکنون می خواهد آن را نزد خدیجه ببرد. آیا از رساندن مال به صاحبش جلوگیری می کنی؟ راه را باز کن!» اما ابوجهل همچنان سرسختی نشان می داد تا اینکه برادرش با او درگیر شد. (ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۳۷۹؛ طبری، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۷؛ مرادی نسب، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۶)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به ویژه در دوران محصور شدن بنی هاشم در شعب ابی طالب (سه سال)، اموالش را انفاق کرد (ابی یعقوب، ۱۳۵۸ق، ج ۲، ص ۳۱) و در همه مشکلات و رنج ها با پیامبر همراهی می نمود. همین همراهی حضرت خدیج (س)، مایه آرامش پیامبر در برابر آزارهای مشرکان بود. (بحرانی، بی تا، ج ۱، صص ۴۸ و ۸۳؛ حکیمی، ۱۳۸۰ش، ج ۵، ص ۳۷۹، مرادی نسب، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۶)

رسول خدا(ص) درباره حضرت خدیجه فرمودند: خداوند بهتر از او (خدیجه) را به من عطا نکرد و او نخستین مؤمن به من بود هنگامی که مردم مرا کافر می خواندند، او تصدیق می کرد؛ هنگامی که مردم مرا تکذیب

می کردند، با اموالش از من حمایت می نمود؛ هنگامی که دیگران مرا تحریم می کردند. (نمری اندلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۸۴؛ مرادی نسب، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۳۶) ثروت این بانوی بهشتی حتی بعد از رحلت او نیز یاری رسان اسلام بود و آخرین بخش از دارایی حضرت خدیجه (س) توسط علی ابن ابی طالب صرف سفر هجرت به مدینه گشت. (پژوهشگران قم، بی تا، ص ۸) این همسر باوفای حضرت محمد (ص) بعد از ۲۵ سال زندگی کنار آن حضرت، در دهمین سال بعثت در ۶۵ سالگی و دهم ماه مبارک رمضان چشم از جهان فرو بست و قلب رسول خدا (ص) و مسلمانان را داغدار کرد. پیامبر اسلام (ص) پیکر پاک او را در حجون با دست های مبارک خود در قبر گذاشت و از شدت حزن و اندوه سال وفات او را که با فاصله اندکی از رحلت ابوطالب (ع) رخ داده بود، عام الحزن (سال اندوه) نامید و فرمود: «به سوی خوبی و پاکی بشتاب! تو بهترین و برترین زنان عالمینی.» (اخطب خوارزم و سماوی، ج ۱، ۱۳۸۱ش، ص ۲۸؛ پاک نیا، ۱۳۸۱، ص ۳۷)

نتیجه گیری

با بررسی برخی از ابعاد وجودی حضرت خدیجه (س) می توان گفت که ایشان از سطح بالایی از بصیرت و درایت برخوردار بودند. همین امر باعث شد تا خود را از برخی زنان و حتی مردان هم عصر خود جدا کرده و به دنبال درک حقیقت باشند. ظهور آخرین رسول خدا که طبق آموزه های مسیحیت و یهودیان از منتظران آن بوده؛ به همین جهت پاک می زیست؛ تا شاید لایق دیدار موعود باشد، و وقتی نمود حق را در محمد امین (ص) یافت همه جانبه به خدمت او شتافت.

۱- حضرت خدیجه (س) در سخت ترین شرایط پشتیبان پیامبر (ص) بود، در اثر فداکاری او پیغمبر توفیق حاصل کرد؛ چرا که وی وزنه زندگی رسول خدا (ص) بود. به احترام حضرت خدیجه (س) بسیاری به پیامبر احترام می گذاشتند، یا متعرض او نمی شدند. حضور وی در کنار نبی خدا به زنان آن عصر نوید روزگاری بهتر و به رسمیت شناختن حقوق زنان را می داد و نقش مؤثری در گرایش بانوان به اسلام ایفانمود.

۲- همچنین حضرت خدیجه (س) با بخشش اموال خود، باعث حفظ یاران اسلام در مقابل دشمنان و زمینه ساز شکوفایی اسلام بود، با قرار دادن خانه خود به عنوان دارالانذار، از وصی و جانشین پیامبر (ص) حمایت کرد. بنابراین می توان گفت: خدیجه کبری (س) در اصلاح عقیدتی، اخلاقی و در ایجاد قسط و عدل در جامعه، همراه و یاور رسول خدا بودند.

۳- حمایت عمیق و همه جانبه ریشه در اعماق شخصیتی والای خدیجه کبری (س) داشت. او در خانواده‌ای شریف و با شرایط مطلوبی رشد کرده بود؛ خانواده‌ای که حق‌پذیر و حق‌جو بودند، دغدغه حمایت از مظلومان را داشتند. حضرت خدیجه (س) مانند خاندان خود از آیین توحیدی ابراهیم (ع) تبعیت می‌کرد و از آموزه‌های ادیان الهی مطلع بود و در تجارت مهارت داشت، و در نهایت دست به معامله‌ای پرسود زد. از همه چیز خود گذشت تا با همراهی پیامبر (ص) لایق سلام خداوند متعال باشد.

۴- از مطالب گذشته به دست‌آمد آنچه حضرت خدیجه را خدیجه کرد، تنها برخورداری از اموال و تن ندادن به فرهنگ جاهلی نبود، بلکه بهره‌جستن از آن‌ها در مسیر حق بود؛ آن‌چنان که خداوند اموال حضرت خدیجه (س) را به خود نسبت داده و به پیامبرش فرمود: «ما تو را فقیر یافتیم و بی‌نیاز کردیم.» او از اموال و موقعیت اجتماعی خود گذشت تا همه‌جانبه از همسرش به‌عنوان آخرین پیام آور وحی حمایت نماید و با اطاعت همه جانبه از رسول خدا، گوهر وجودی خود را آن‌چنان درخشان کرد که از برترین زنان بهشتی نام گرفت و الگوی فرازمانی و فرامکانی برای تمام حق‌پذیران عالم شد؛ چرا که به اعتراف تمام فرق اسلامی، یک رکن پیشرفت اسلام بر دوش حضرت خدیجه کبری (س) بود.

۵- او تمامی ثروتش را خالصانه برای گسترش و توسعه اسلام در اختیار پیامبر (ص) قرار داد. ثروت او قبل و بعد از جریان محاصره اقتصادی و اجتماعی بسیار گره‌گشا بود، او با مال و جان و زبان خود به حمایت از پیامبر اسلام و مسلمانان برخاسته بود. در جریان سه سال محاصره اقتصادی وحشت بار در شعب ابی‌طالب، حضرت خدیجه (س) از روی صفا و سخاوت تمام دارایی خود را نثار پیامبر و مسلمانان کرد و آن‌ها را از گرسنگی نجات داد، تا این‌که خداوند راه گشایشی در کار آن‌ها پیش آورد.

۶- جهاد مالی حضرت خدیجه (س) و انفاق و بخشش او در ده سال اول بعثت نقش حیاتی و چشم‌گیری در رشد و گسترش اسلام و فزونی یافتن تعداد مسلمانان و هجرت مسلمانان و ابطال نقشه‌های سران کفر داشت و این نقش آفرینی حضرت خدیجه (س) بود که وی را در نزد رسول الله (ص) بسیار عزیز می‌داشت و تا آن‌جا که آن حضرت او را به‌عنوان یکی از چهار زن بزرگ، که جایگاهشان در بهشت برین است، معرفی کرد. بعد از رحلت جانسوز این بانوی اُسوه، رسول خدا (ص) از شدت حزن و اندوه سال وفات او را، عام‌الحرزن (سال اندوه) نامید. حضرت خدیجه (س) با این صفات شایسته، الگویی ماندگار برای همیشه در طول تاریخ شد.

منابع

منابع فارسی:

- قرآن کریم، ترجمه: مهدی محیی‌الدین الهی قمشه‌ای، (۱۳۶۵)، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- ۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۷)، **الخصال**، ج ۱، مترجم: محمدباقر، کمره‌ای، چاپ: اول، تهران: کتابچی و ترجمه: احمد، فهری زنجانی، (بی‌تا)، چاپ اول، تهران: علمیه اسلامیة.
- ۲. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۴)، **الطرائف**، مترجم: داوود، الهامی، چاپ دوم، قم: نوید اسلام.
- ۳. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۲)، **کشف الغمّة**، ج ۲، مترجم: علی بن حسین، زواره‌ای، چاپ سوم، تهران: انتشارات اسلامیة.
- ۴. پژوهشگران حوزه علمیه قم، مجله حوزه، (بی‌تا)، **زندگینامه حضرت خدیجه (س)**، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- ۵. تهرانی، حسین، (۱۳۹۳)، **خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری (س)**، چاپ سوم، قم: طوبای محبت.
- ۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸)، **زن در آینه جلال و جمال**، چاپ پنجم، قم: انتشارات دارالهدی.
- ۷. جیمز، ویلیام، (۱۳۸۷)، **دین و روان**، ترجمه: مهدی، قائنی، قم: انتشارات دارالفکر.
- ۸. حسکانی، عیدالله بن عبدالله، (۱۳۸۰)، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، مترجم: احمد، روحانی، چاپ اول، قم: دارالهدی.
- ۹. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، (۱۳۸۰)، **الحیاء**، ج ۵، مترجم: احمد، آرام، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۰. دهخدا، علی‌اکبر و همکاران، (۱۳۷۳)، **لغت‌نامه دهخدا**، چاپ اول از دوره جدید، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۳۷۷)، **إرشاد القلوب**، ج ۲، مترجم: سید عبدالحسین، رضائی، چاپ سوم، تهران: اسلامیة.
- ۱۲. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵)، **فروغ ابدیت (تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم)**، ج ۱، بی‌جا، قم: بوستان کتاب.
- ۱۳. صدر، سیدمحمدباقر، (۱۳۶۲)، **جهان‌بینی در فلسفه ما**، چاپ اول، تهران: انتشارات بدر.

۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۶۷)، تفسیر المیزان، ج ۱۶، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ هفتم، تهران: رجا.
۱۵. عسکری، سیدمرتضی، (۱۳۸۷)، نقش عایشه در تاریخ اسلام، ج ۱، مترجم: عظامحمد سردارنیا، چاپ اول، تهران: انتشارات منیر.
۱۶. علی بخشی، عبدالله، (۱۳۹۱)، خدیجه (س) برترین همسر پیامبر (ص)، ج ۱، قم: انتشارات زائر.
۱۷. عمید، حسن، (۱۳۴۲)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. کاپلستون، فردریک، (۱۹۴۶م)، تاریخ فلسفه، ج ۱ (یونان و روم)، ترجمه: سیدجلال الدین، مجتبیوی، تهران: انتشارات سروش.
۱۹. کرمی فریدنی، علی، (۱۳۸۳)، فروغ آسمان حجاز خدیجه (س)، چاپ دوم، قم: نسیم انتظار.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۲ق)، الروضة من الکافی یا گلستان آل محمد، ج ۲، مترجم: محمدباقر، کمره ای، چاپ اول، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۲۱. _____، (۱۳۷۵)، أصول الکافی، ج ۲، مترجم: محمدباقر، کمره ای، چاپ سوم، قم: اسوه.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۳۹۷ق)، شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت (ع) (ترجمه جلد ۶۵ بحار الأنوار)، مترجم: علی، تهرانی، چاپ اول، تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر.
۲۳. _____، (۱۴۰۳ق)، زندگانی حضرت زهرا (س)، (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، مترجم: محمدجواد، نجفی، چاپ اول، تهران: اسلامیة.
۲۴. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۸۵)، ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۵. مرادی نسب، حسین، (۱۳۹۰)، خدیجه همسر گرامی رسول خدا (ص)، ج ۱، تهران: انتشارات مشعر.
۲۶. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، چاپ سوم، تهران: زرین.
۲۷. مفید، محمد بن محمد، (۱۳۸۰)، الإرشاد للمفید، مترجم: محمدباقر، ساعدی خراسانی، چاپ اول، تهران: اسلامیة.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، ج ۱۷، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

منابع عربی:

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن المغزلی الواسطی، (۱۴۲۷ق)، مناقب أهل البيت (ع)، ج ۱، چاپ اول، قم: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامیة- المعاونیة الثقافیة، مركز التحقیقات و الدراسات العلمیة.
۳. ابن عبدالبرنمری اندلسی، یوسف بن عبدالله، (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۴، محقق: علی محمد، بجاوی، چاپ اول، بیروت: دارالجيل.
۴. ابن عربی، محیی الدین، (۱۳۶۶)، فصول الحكم، تصحیح: ابوالعلا عقیفی، تهران: انتشارات الزهرا.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، (بی تا)، البدایة والنهایة، ج ۳ و ج ۲، بی جا: ادار إحياء التراث العربی.
۶. أبو نصر البخاری الکلاباذی، أحمد بن محمد بن الحسين بن الحسن، (۱۴۰۷ق)، الهدایة والإرشاد فی معرفه أهل الثقة والسداد (رجال صحیح بخاری)، ج ۲، المحقق: عبد الله اللیثی، الطبعة الأولى، بیروت: دارالمعرفة.
۷. ابی یعقوب، احمد، (۱۳۵۸ق)، تاریخ یعقوبی، ج ۲، تحقیق: عبدالامیر مهنا، بی جا، بیروت: دارصادر.
۸. اخطب خوارزم، موفق بن احمد، سماوی، محمد، (۱۴۲۳ق)، مقتل الحسين علیه السلام، ج ۱، چاپ دوم، قم: انوار الهدی.
۹. الاربلی، أبی الحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح، (۱۴۰۱ق)، كشف الغمة فی معرفه الأئمة (ع)، ج ۲، بی جا، بیروت: الاثمة دار الاضواء، بی تا؛ الطبعة الأولى، بیروت: دار الكتاب الإسلامی.
۱۰. الأملین الحسینی العاملی الشقرائی، السيد محسن بن عبد الكريم، (۱۴۰۳ق)، أعیان الشیعة، ج ۱، إعداد: السيدحسن، الأملین، الطبعة الخامسة، بیروت: دارالتعارف.
۱۱. بحرانی، سیدهاشم، (بی تا)، حلیة الأبرار فی أحوال محمد وآله الأطهار (علیهم السلام)، ج ۱، بی جا، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۳ق)، الجامع الصحیح، ج ۲، بی جا، بیروت: دارالكتاب العربی.
۱۳. بکری، أحمد بن عبد الله، (۱۴۱۵ق)، الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار فی مولد النبی المختار، ج ۱، چاپ اول، قم: نشر شریف الرضی.
۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۹۵۹م)، أنساب الأشراف، ج ۱، تحقیق: محمد حمید الله، مصر: دارالمعارف.

۱۵. التیمی الامدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، **غرر الحکم و درر الکلم**، ج ۱، محقق: سیدمهدی، رجائی، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۱۶. الحائری، محمد مهدی، (۱۳۸۵ق)، **شجره طوبی**، ج ۲، الطبعة الخامسة، النجف: المكتبة الحیدریه.
۱۷. الحلبي الشافعی، أبو الفرج، (بی تا)، **السیرة الحلبیة**، ج ۱، بی جا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۳۷۵ق)، **قرب الأسناد**، ج ۱، محقق: گروه پژوهش در مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۹. الرازی، قطب الدین، (بی تا)، **شرح مطالع النوار فی المنطق**، چاپ اول، قم: انتشارات کتبی نجفی.
۲۰. الرازی الدولابی، أبی بشر محمد بن أحمد، (بی تا)، **الذریة الطاهرة**، ج ۱، المحقق: السيد محمدجواد، الحسینی الجلالی، بی جا، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۱. زرقانی مصری مالکی، ابو عبد الله محمد بن عبد الباقي بن يوسف، (۱۴۱۷ق)، **شرح المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة (ص)**، ج ۱، تحقیق: محمد عبدالعزیز، خالدی، الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۲. شوشتری، محمدتقی، (۱۴۱۵ق)، **قاموس الرجال**، ج ۱۰، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ج ۱۰ و ج ۸، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۴. الطبری، ابن جریر، (بی تا)، **تاریخ الامم الملوک**، ج ۲، بی جا، بیروت: الناشر دارالتراث.
۲۵. عبدالملک، ابن هشام، (۱۳۷۵ق)، **السیرة النبویة معروف به سیره ابن هشام**، ج ۱، تصحیح: مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالوفاق.
۲۶. العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد ابن حجر، (۱۴۱۵ق)، **الإصابة فی تمييز الصحابة**، ج ۸، تحقیق: عادل، عبدالموجود، علی محمد، أحمد معوض، الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، **العین**، ج ۱، تحقیق: مهدی، مخزومی، ابراهیم، سامرائی، قم: مؤسسه دارالهجره.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، **تفسیر القمی**، ج ۲، چاپ سوم، قم: دارالکتاب.

۲۹. قمی مشهدی، محمدرضا، (۱۴۲۳ق)، تفسیر کنزالدقائق وبحرالغرائب، ج ۱۴، بی جا، قم: دارالغدیر.
۳۰. قمی، عباس، (۱۳۴۴ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فيها علی بحار الأنوار، ج ۲، بی جا، قم: اسوه.
۳۱. کاتب واقدی، محمد بن سعد، (۱۹۶۸م)، الطبقات الكبرى، ج ۸، محقق: إحسان عباس، الطبعة الأولى، بیروت: دار صادر.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، ج ۱۸ و ۱۶، مصحح: محمدباقر محمودی، عبدالزهراء علوی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری (بی تا)، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم، ج ۴، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بی جا، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۱۹ق)، مستدرک سفینه البحار، ج ۵، بی جا، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۵. النیسابوری المعروف بابن البیع، أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نُعیم بن الحکم الضبی الطهمانی (۱۴۱۱ق)، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۶. یزدی، مولی عبدالله، (۱۴۱۲ق)، الحاشیه علی تهذیب المنطق، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر السالمی.

مقاله:

۳۷. پاک نیا، عبدالکریم، (۱۳۸۱)، نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه (س)، نشریه مبلغان، شماره ۳۵، ص ۳۷.
۳۸. میانجی، محمد، (۱۳۸۰)، نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر اکرم (ص)، نشریه مبلغان، شماره ۲۳، ص ۳۹.